



نقش دلدزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی در پیش بینی طلاق عاطفی

محمد رضا پیام: دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران
 مجید محمودعلیلو: استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه تبریز، ایران (* نویسنده مسئول) m-alilou@tabriz.ac.ir
 مرضیه علیوندی وفا: استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

چکیده

کلیدواژه‌ها

دلدزدگی زناشویی،
 سبک‌های دلبستگی،
 طلاق عاطفی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

زمینه و هدف: دلدزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی به عنوان عوامل مؤثر در بروز یا تداوم طلاق عاطفی در نظر گرفته می‌شوند. هدف پژوهش حاضر پیش بینی طلاق عاطفی براساس سبک‌های دلبستگی و دلدزدگی زناشویی می‌باشد.
روش کار: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش، توصیفی از نوع هم‌ستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه متقاضیان طلاق کلانشهر تبریز بود. تعداد ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴)، پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی (۱۹۸۷) و مقیاس دلدزدگی زناشویی (۱۳۸۱) در آن‌ها اجرا گردید. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در نرم افزارهای SPSS-24 تحلیل گردید.
یافته‌ها: نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن و دلدزدگی زناشویی با طلاق عاطفی هم‌تغییری منفی و بالایی مشاهده شد. همچنین، میان سبک دلبستگی اجتنابی و دلدزدگی زناشویی با طلاق عاطفی هم‌تغییری مثبت و بالایی وجود داشت. بین دلدزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم‌تغییری مثبت و بالایی وجود داشت ($P < 0/01$).
نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش طلاق عاطفی می‌توان برنامه‌ای تدوین کرد تا با کمک آن بتوان دلدزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی پاتولوژیک را جهت دهی یا اصلاح نمود.

تعارض منافع: گزارش نشده است.

منبع حمایت‌کننده: حامی مالی ندارد.

شیوه استناد به این مقاله:

Payam M, Mahmoud aliluo M, Alivandi vafa M. The Role of Couple Burnout and Attachment Styles in Predicting Emotional Divorce. Razi J Med Sci. 2024(17 Aug);31.90.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en>).

*انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 4.0 صورت گرفته است.

The Role of Couple Burnout and Attachment Styles in Predicting Emotional Divorce

Mohammadreza Payam: PhD Candidate in Psychology, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Majed Mahmoud aliluo: Professor, Department of Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran (* Corresponding Author) m-alilou@tabriz.ac.ir

Marziyeh Alivandi vafa: Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

Background & Aims: The study of attachment styles in relation to emotional divorce has attracted increasing attention in recent years. In any society that talks about trust, it is also possible to break it.

Recently, due to the wavering of values and changes in social norms that have caused changes in attitudes, expectations, and due to the changes that have occurred in the structure and relationships between couples, we are faced with a new division that divides divorce into two types, official and Emotional divorce. In an official divorce, a man and a woman are legally separated from each other by referring to the court and have no obligations towards each other, but emotional divorce is the most important factor in the disintegration of the structure and the most fundamental part of society, i.e. the family, and causes the emotional disintegration of the family. it is possible.

In the explanation of emotional divorce, different approaches have been presented, each of which has tried to justify and explain the phenomenon of emotional divorce according to the psychological approaches of theorists, and for example, the theory of attachment styles proposes and explains the attachment styles of adults. If there are defective interactions between attachment styles, it provides the ground for entering the stages of emotional divorce and separation.

Another important reason that has a significant impact on emotional divorce is marital burnout. Every person starts his marital relationship with love and interest in his natural form, and his initial speculations are to maintain and continue this relationship. But sometimes, after some time, the husband and wife or both of them may have doubts about the depth and shape of their relationship, and because they do not see the necessary harmony between their expectations of life and the realities of their marriage, they may experience disappointment and disappointment. Get married.

By summarizing the said material, it can be concluded that so far, various theoretical structures have been investigated and researched regarding the underlying factors related to behavioral and personality problems in divorce applicants; but few of them have come in the form of a single model that shows the mutual relations of these structures with each other. Therefore, according to the above-mentioned materials, the aim of the present study was to investigate the structural relationships of attachment styles in divorce applicants with emotional divorce mediated by marital burnout.

Methods: This research is applied in terms of its purpose and descriptive of the correlation type in terms of research method. The statistical population of this

Keywords

Marital Burnout,
Attachment Styles,
Emotional Divorce

Received: 02/03/2024

Published: 17/08/2024

research includes all divorce applicants in Tabriz metropolis. A number of 250 people were selected as a sample using convenience sampling and Gutman's Emotional Divorce Scale, Attachment Styles Questionnaire and Marital burnout Scale were implemented in them. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and regression in SPSS-24 software.

Results: The results showed that secure and ambivalent attachment style has no significant relationship with emotional divorce, and avoidant attachment style and emotional divorce have a significant positive relationship. Also, avoidant and ambivalent attachment style has a significant positive relationship with marital burnout and secure attachment style has a significant negative relationship with marital burnout. The results of the structural equation model showed that attachment styles have an effective role on emotional divorce and marital burnout. The results of the structural equation model showed an acceptable model.

Conclusion: The present study shows the defects in the functioning of attachment styles in the form of emotional divorce and marital burnout. This means that the interaction of these dysfunctions causes a person to choose answers in conflict situations that appear in the form of inappropriate and perhaps impulsive behaviors. In the meantime, attachment styles also influence the type of behavioral output of a person, and the environment, which acts as a personality processor and ontology, makes a person more vulnerable to behavioral abnormalities.

Conflicts of interest: None

Funding: None

Cite this article as:

Payam M, Mahmoud aliluo M, Alivandi vafa M. The Role of Couple Burnout and Attachment Styles in Predicting Emotional Divorce. Razi J Med Sci. 2024(17 Aug);31.90.

Copyright: ©2024 The Author(s); Published by Iran University of Medical Sciences. This is an open-access article distributed under the terms of the CC BY-NC-SA 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0/deed.en>).

***This work is published under CC BY-NC-SA 4.0 licence.**

مقدمه

مطالعه دلزدگی زنا شویی و سبک های دلبستگی در رابطه با طلاق عاطفی در سال های اخیر توجه فزاینده ای را به خود جلب کرده است. در هر جامعه ای که صحبت از اعتماد است، امکان قطع و از هم گسستن آن نیز ممکن است، باشد. اگر ازدواج را قراردادی بین یک زوج برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد همواره پابرجا نبوده و امکان فسخ آن به دلایلی وجود خواهد داشت (۱). طلاق یک واقعه نیست، بلکه فرآیندی است که با بروز دلایلی طی زمان شکل می گیرد و سرانجام به جدایی ختم می شود. طلاق را می توان از منظرهای گوناگون اعتقادی، قانونی، فرهنگی ... مورد بررسی قرار داد، ولی آنچه همواره به عنوان طلاق مطرح بوده است، جدایی زن از شوهر یا جدایی زوجین از زندگی مشترک و فسخ عقد است. اخیراً با توجه به تزلزل در ارزش ها و تغییر هنجارهای اجتماعی که باعث تغییر در نگرش ها، انتظارات و توقعات شده و به دلیل تغییراتی که در ساختار و روابط بین زوجین پدید آمده، با تقسیم بندی جدیدی مواجهیم که طلاق را به دو نوع رسمی و عاطفی (خاموش) تفکیک می کند. در طلاق رسمی، زن و مرد با مراجعه به دادگاه به طور قانونی از یکدیگر جدا شده و هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند، اما طلاق عاطفی به گونه ای دیگر در زندگی زوجین به وجود می آید (۲). طلاق عاطفی مهم ترین عامل از هم گسستگی ساختار و بنیادی ترین بخش جامعه یعنی خانواده است و موجب از هم پاشیدگی عاطفی خانواده می شود. در این نوع خانواده، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین نیست و یا بسیار کم است. این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد، اما مهم ترین نوع طلاقی است که زوجین و کودکان زیادی از آن رنج می برند. در چنین خانواده هایی به دلایل متعدد، تنش روانی حکمفرماست (۳).

در تبیین طلاق عاطفی رویکردهای مختلفی ارائه گردیده است که هر کدام با توجه به رویکردهای روانشناسانه نظریه پردازان سعی در توجیه و تبیین پدیده طلاق عاطفی نموده اند. به عنوان مثال نظریه سبک های دلبستگی، سبک های دلبستگی بزرگسالان را مطرح می کند و تبیین می کند اگر بین سبک های دلبستگی تعاملات معیوبی وجود داشته باشد، زمینه را

برای ورود به مرا حل طلاق عاطفی و جدایی فراهم می آورد.

بالبی (۴) معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوندی عاطفی دارد. او دلبستگی را «ارتباط پایدار بین دو انسان» توصیف کرد. همچنین فرآیند شکل گیری دلبستگی (پیوند عاطفی) نوزاد و مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سامانه (سیستم) احساسات و رفتارهای دلبستگی ماهیت تصورات و تجربه های فرد را از پیوند عاطفی و روابط بین شخصی تعیین می کنند. نظریه سبک های دلبستگی، بر روابط محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می دانند. پژوهشگران سبک های دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار و چند نسلی تلقی کرده و بیان می کنند که چگونگی تعاملات خانواده می تواند بر روابط زناشویی تأثیر بگذارند (۵). در راستای اصطلاحات نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارند و موفق تر هستند (۶).

طبق نظریه دلبستگی، افراد هنگام برقراری رابطه نزدیک و صمیمانه یکی از این سه سبک دلبستگی را می پذیرند: ایمن، نایمن اضطرابی، نایمن اجتنابی (۷)؛ سبک دلبستگی ایمن با میل به قدردانی، توجه و فدا کردن خود به خاطر افراد نزدیک و مهم ارتباط دارد. سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با فقدان دلبستگی و علاقه نسبت به افراد مهم و نزدیک همراه است. افراد با دلبستگی نایمن اضطرابی در روابط صمیمانه خود احساس ناامنی و حسادت می کنند (۸). براساس این نظریه، تنش در روابط با عدم امنیت دلبستگی ارتباط دارد هنگامی که امنیت دلبستگی مورد تهدید قرار می گیرد، عصبانیت اولین پاسخ است. این عصبانیت اعتراضی در مقابل از دست دادن دلبستگی ایمن است. اگر چنین اعتراضی منجر به پاسخدهی نشود ممکن است با ناامیدی و فشار توأم شود و به صورت یک استراتژی مزمن برای کسب و حفظ الگو دلبستگی درآید. قدم بعدی، کندوکاو و جستجو است که بعداً منجر به افسردگی و ناامیدی می شود. اگر همه این اقدامات شکست بخورد، رابطه دچار مشکل می شود، غم انگیز شده و جدایی رخ می دهد. پاسخ های خشن در

عاطفی با در نظر گرفتن نقش دزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی بود.

روش کار

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود که در قالب تحلیل رگرسیون ارائه شد. جامعه بررسی شده در این پژوهش، شامل تمامی متقاضیان طلاق کلانشهر تبریز در سال ۱۴۰۰ بود. در پژوهش حاضر، نمونه‌ای برابر با ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شود. از این تعداد، پرسش‌نامه‌های ۵۰ نفر از شرکت‌کنندگان پژوهش حذف شدند. در تحلیل نهایی اطلاعات پرسش‌نامه‌های ۲۵۰ آزمودنی وارد نرم افزار SPSS-24 شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از سه مقیاس خودگزارشی دهی طلاق عاطفی گاتمن، پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی و مقیاس دزدگی زناشویی استفاده گردیده است.

مقیاس طلاق عاطفی گاتمن: مقیاس طلاق عاطفی که توسط گاتمن و سیلور (۱۱ و ۱۲) تدوین شده است، برای نخستین بار توسط جزایری در ایران ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد که ۲۴ ماده دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. پس از جمع عبارات با یکدیگر، حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس به ترتیب صفر و ۲۴ است؛ بدین صورت که در نمره بین صفر تا هشت احتمال جدایی در زندگی ضعیف است. در نمره بین هشت تا ۱۶ احتمال جدایی متوسط و در نمره بالاتر از ۱۶ احتمال جدایی بالا است. بنابراین نمرات بالا در این مقیاس نشان می‌دهد که احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد (۱۴). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۵) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده است.

روابط با وحشت از دلبستگی مرتبط اند که در آن زوجها عدم امنیت خود را با اعمال کنترل و بدرفتاری نسبت به همسر خود تنظیم می‌کند. رخداد‌های تروماتیک یا آسیب‌زایی که به پیوند بین زوجین صدمه می‌زنند و اگر برطرف نشوند باعث نگهداری چرخه‌های منفی و ناامنی در دلبستگی می‌شوند، از جمله آسیب‌های دلبستگی اند. این رخدادها هنگامی اتفاق می‌افتند که یک زوج نمی‌تواند در لحظه نیاز فوری، به دیگری پاسخ دهد. رخداد‌های منفی مربوط به دلبستگی، مخصوصاً ترک کردن‌ها و خیانت‌ها، اغلب باعث وارد آمدن آسیب همیشگی به روابط نزدیک می‌شوند (۹).

یکی دیگر از مهم‌ترین علت‌هایی که تأثیر به‌سزایی بر طلاق عاطفی دارد، دزدگی زناشویی است. هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی‌اش روابط زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه او نیز حفظ و تداوم این رابطه است. اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن و شوهر یا هر دوی آن‌ها نسبت به عمق و شکل روابط شان تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زناشویی شان هماهنگی لازم را نمی‌بینند، ممکن است دچار سرخوردگی و دزدگی زناشویی شوند. دزدگی زناشویی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رویایی به زندگی شان معنا ببخشد. این حالت زمانی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌های شان در ایجاد روابط صمیمی و دوستانه، این روابط به زندگی شان معنا نخواهد داد. به عبارت دیگر، دزدگی از پافشاری بر افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود (۱۰).

با جمع‌بندی مطالب گفته شده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تاکنون سازه‌های نظری مختلفی در خصوص عوامل زمینه‌ساز مربوط به مشکلات رفتاری و شخصیتی در متقاضیان طلاق بررسی و تحقیق شده است؛ اما تعداد کمی از آن‌ها گویای روابط متقابل این سازه‌ها با همدیگر است، آمده است. بنابراین با توجه به مطالب مذکور، هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی طلاق

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI): مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۶) ساخته و در مورد نمونه هایی از جامعه ایرانی هنجاریابی شده است (۱۷)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیر مقیاس های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش های هر یک از زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه (۱۴۸۰) نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۸، برای زنان ۰/۹۱، ۰/۹۰، ۰/۸۷ و برای مردان ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد، که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره های نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۴، برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و برای مردان ۰/۸۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانه اعتبار بازآزمایی رضایتبخش مقیاس است. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره های ۱۵ نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس های مشکلات بین شخصی (۱۸) و حرمت خود کوپر اسمیت (۱۹) در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی ها ارزیابی و تأیید شد. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، روایی سازه مقیاس دلبستگی بزرگسال را تأیید کرد (۱۷).

مقیاس دلدگی زناشویی: به منظور اندازه گیری میزان دلدگی زناشویی زوجین از مقیاس ۲۱ سؤالی

دلدگی زناشویی پاینز استفاده شده است. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان دهنده دلدگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین نمره، ۲۱ می باشد. این مقیاس دارای سه مؤلفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. خستگی عاطفی را با سؤال های ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، خستگی روانی را با سؤال های ۳، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۸ و ۱۹ و خستگی جسمی را با سؤال های ۱، ۴، ۷، ۱۰ و ۱۶ در طیف لیکرت از هرگز= یک تا همیشه= هفت ارزیابی می شود (۲۰). برای اولین بار در ایران توسط شاداب ترجمه شده است. خرده مقیاس خستگی جسمی دارای شش سؤال، خرده مقیاس خستگی روانی دارای هفت سؤال و خرده مقیاس خستگی عاطفی دارای هشت سؤال می باشد. همچنین، نویدی (۲۱) ضریب پایایی این پرسش نامه را با استفاده از آلفای کرونباخ در مورد ۲۴۰ نمونه ۰/۸۶؛ و ضریب پایایی به روش باز آزمایی را در فواصل یک، دو و چهار ماه ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ درصد گزارش کرده است.

شیوه اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از هماهنگی با مسئولان دادگستری تبریز، ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس و با توجه به تکمیل کامل و همراه با دقت پرسش نامه های پژوهش، به عنوان نمونه وارد پژوهش شدند. سپس فرم رضایت اخلاقی شرکت در پژوهش در اختیار آزمودنی ها قرار گرفت و به آنان اعلام شد که شرکت در پژوهش اختیاری است. همچنین به آن ها اطمینان خاطر داده شد که اطلاعات شان محرمانه خواهد ماند و فقط نتایج آن چاپ خواهد شد. بنابراین از آزمودنی ها درخواست شد تا در صورت صلاح دید فرم را تکمیل کنند. سپس آن ها به پرسش نامه های پژوهش پاسخ دادند.

در این راستا، داده های به دست آمده از پرسش نامه ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در آمار توصیفی، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS، داده ها در قالب میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین آن ها ارائه شد. در آمار استنباطی، با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS-24 فرضیه ها و سؤال ها مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

مجموع افراد شرکت کننده در این پژوهش نفر ۲۵۰ بودند، که ۱۲۲ نفر مرد (۴۸/۸ درصد) و ۱۲۸ نفر زن (۵۱/۲ درصد) تشکیل داده بودند. همچنین، میانگین سنی (انحراف معیار) مردان برابر ۲۷/۷۰ (۳/۰۸) و میانگین سنی (انحراف معیار) زنان برابر ۲۶/۵۹ (۳/۲۴) بود. در کنار یافته‌های جمعیت شناختی، با هدف تحلیل استنباطی داده‌ها ابتدا پیش فرض‌های مرتبط با آمار پارامتری و آزمون‌های مرتبط با برازش مدل بررسی شد. نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول ۱، پیش فرض نرمال بودن داده‌ها رد نشد؛ بنابراین داده‌ها برای تحلیل همبستگی دومتغیری پیرسون استفاده بود.

با بررسی ضریب همبستگی دومتغیری می‌توان گفت که بین سبک‌های دلبستگی و دزدگی زناشویی و طلاق عاطفی همبستگی بالایی وجود دارد. براساس جدول ۲، میان سبک دلبستگی ایمن و دزدگی

زناشویی با طلاق عاطفی هم تغییری منفی و بالایی مشاهده شد؛ یعنی با افزایش سبک دلبستگی ایمن و دزدگی زناشویی، طلاق عاطفی کاهش می‌یابد و با کاهش آن نیز افزایش می‌یابد. همچنین، میان سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و دزدگی زناشویی با طلاق عاطفی هم تغییری مثبت و بالایی وجود داشت؛ یعنی با افزایش سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و دزدگی زناشویی، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد و با کاهش آن‌ها نیز کاهش می‌یابد. بین دزدگی زناشویی و طلاق عاطفی هم تغییری مثبت و بالایی وجود داشت. در کنار بررسی همبستگی‌های دومتغیری که امکان استنباط سطحی از یافته‌های پژوهش را ممکن می‌کند، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در جدول ۳ گزارش شده است. با توجه به جدول ۳ مدل از نظر آماری معنادار است و دزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی می‌تواند طلاق عاطفی را تبیین کند. آزمون T در رگرسیون برای ضریب دزدگی زناشویی و

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مرتبط با متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین (انحراف استاندارد)	چولگی	کشدگی
دلبستگی ایمن	۱۵/۹۳ (۴/۴۳)	-۰/۳۰۱	-۰/۵۶۱
دلبستگی اجتنابی	۱۱/۰۲ (۳/۷۶)	۰/۶۶۹	-۰/۲۳۳
دلبستگی دوسوگرا	۹/۰۲ (۲/۶۸)	۰/۹۶۹	-۰/۰۳۲
دزدگی زناشویی	۶۷/۸۸ (۲۰/۰۴)	۱/۲۰۶	۱/۹۹۵
طلاق عاطفی	۵/۷۱ (۳/۴۴)	۰/۵۲۵	-۰/۱۹۰

جدول ۲- نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا	دزدگی زناشویی	طلاق عاطفی
دلبستگی ایمن	۱				
دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۹۳**	۱			
دلبستگی دوسوگرا	-۰/۱۵۶**	۰/۳۶۶**	۱		
دزدگی زناشویی	-۰/۴۴۷**	۰/۶۱۹**	۰/۱۳۰*	۱	
طلاق عاطفی	-۰/۲۲۰**	۰/۴۵۵**	۰/۱۳۴*	۰/۲۲۰**	۱

**P < ۰/۰۱

*P < ۰/۰۵

جدول ۳- تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی طلاق عاطفی براساس دزدگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی

متغیر پیش بین	F	P	R	R ²	R ² تعدیل شده	ضریب b	SE	ضریب β	T	سطح معناداری
ثابت						۵۳/۶۷۵	۳/۴۵۸		۱/۳۱۸	۰/۰۰۱
دزدگی زناشویی	۶۴/۹۲۰	۰/۰۰۱	۰/۵۰۳	۰/۲۵۳	۰/۲۴۸	۱/۴۱۳	۰/۴۰۶	-۰/۱۹۴	۳/۴۷۹	۰/۰۰۱
سبک‌های دلبستگی						۰/۲۸۴	۰/۰۴	-۰/۳۹۸	۷/۱۲۴	۰/۰۰۱

سبک های دلبستگی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش دلزدگی زناشویی و سبک های دلبستگی بر طلاق عاطفی بود. یافته ها نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته ها در راستای پژوهش صابونچی، دوکانی فرد و بهبودی (۲۲)، جزایری، دلاور و دور تاج (۲۳)، صمدی کاشان، جعفری، محمودپور و قاسمزاده (۲۴)، محمدی مهر و آیت اله کریمی (۲۵)، هیر شبرگر، سیریواستاوا، مارش، کووان و کووان (۲۶)، مامی و عسگری (۱۴)، حیدری و اجتماعی سنگری (۲۷) می باشد. از طرف دیگر، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک دلبستگی دو سوگرا با طلاق عاطفی ارتباط معناداری ندارد که به نتایج همسو با تحقیقات قبلی دست نیافت.

در تبیین نتایج می توان چنین عنوان کرد که عوامل مهمی در سال های اخیر با طلاق عاطفی زوجین تأثیرگذار بوده است که لازم است به آن ها توجه لازم مبذول شود؛ زیرا که وجود بعضی از عوامل مانند سبک های دلبستگی هر یک از زوجین می تواند بر طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی تأثیرگذار باشد. تجارب اولیه هر یک از زوجین با والدین و یا نوع رابطه هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی از جمله این عوامل در بروز طلاق عاطفی در روابط زوجین به شمار می آید. در این راستا، نظریه سبک دلبستگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می داند. آن ها سبک های دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار تلقی کرده و پیشنهاد می کنند که چگونه خانواده مبدأ شخص می تواند بر روابط زناشویی اثر بگذارد. مطالعات مبتنی بر آسیب شناسی تحولی نیز رابطه بین تجارب منفی اولیه خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه های معیوب زناشویی را مورد تأکید قرار می دهند. بالبی (۴) بر این عقیده بود که نظریه دلبستگی تنها یک نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در

فراخنای زندگی نیز می باشد. بالبی اظهار می دارد که دلبستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد می باشد به طوری که یکی از دو طرف کوشش می کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد. بالبی (۴) بر این باور است که این گره های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک منجر می شود، نخستین تجلی های دلبستگی پیش بینی رضایت زناشویی براساس سبک های دلبستگی محسوب می شود. دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است. بر همین اساس الگوهای فعال درونی از چهره دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساس های فرد در مورد حساسیت و پاسخ دهنده گی چهره دلبستگی و شامل ارزش شایستگی هایی می شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قایل می شود. در نتیجه، کیفیت روابط مادر- کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای فعال درونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تأثیر همین الگوهای فعال درونی قرار می گیرند.

روشن است که در زندگی مشترک افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، از این رابطه بیشتر رضایت دارند و تعهد بیشتری هم نشان می دهند. آنان به شریک زندگی شان اعتماد می کنند و از زندگی لذت بیشتری می برند. کسانی که سبک دلبستگی اجتنابی را دارند، ممکن است در رابطه ازدواج هم، دلبستگی و علاقه محکم و شدیدی نداشته باشند. از این رو شاید هنگام قطع رابطه کمتر ناراحت شوند، اما از رابطه موجود هم زیاد لذت نمی برند و زندگی برایشان شیرین و رضایت بخش نیست. بر همین اساس هر سبکی از دلبستگی، در حقیقت بر معیارهای شخصی زوجین اثر می گذارد و آن ها نیز براساس همین سبک دلبستگی، نسبت به خودشان و شریک زندگی شان، قضاوت می کنند و رضایت یا عدم رضایت از زندگی مشترک را به آن ها بر می گردانند.

بطور کلی، دلبستگی ایمن بیانگر دیدگاه مثبت و دلبستگی نایمن بیانگر دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران است. در نتیجه دلبستگی نایمن با عدم برقراری

این مطالعه دارای چند محدودیت بود. ابتدا اینکه مطالعه حاضر روی متقاضیان طلاق که جمعیت نسبتاً همگنی هستند، انجام شده است. بنابراین، در تعمیم نتایج به جمعیت‌های دیگر محدودیت وجود دارد. محدودیت دیگر اینکه ماهیت مقطعی مطالعه حاضر، مانع استنتاج‌های علی و شناخت دقیق ماهیت واقعی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌شود. سرانجام اینکه مشخص نیست نمرات حاصل از این ابزار تا چه اندازه با رفتارهای واقعی در زندگی روزمره مرتبط است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، مطالعه حاضر نقص در کارکرد سبک‌های دلبستگی خود را در قالب طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی نشان می‌دهد. بدین معنا که تعامل این بدکارکردی‌ها باعث می‌شود تا فرد در موقعیت‌های تعارضی، پاسخ‌هایی را انتخاب نماید که در قالب رفتارهای نامناسب و شاید تکانشی بروز یابد. در این میان، همچنین سبک‌های دلبستگی بر نوع برون‌داد رفتاری فرد تأثیرگذار هستند و محیط که در نقش پردازشگر و هسته شناختی شخصیت عمل می‌کند فرد را نسبت به ناهنجاری‌های رفتاری آسیب‌پذیرتر می‌کند.

تقدیر و تشکر

از کارکنان و شرکت‌کنندگان شعبات دادگاه‌های خانواده تبریز که در این پژوهش همکاری نمودند، نهایت تشکر را داریم.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر مستخرج شده از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول با کد اخلاق IR.IAU.TABRIZ.REC.1401.132 می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

درصد همکاری نویسنده اول ۸۰٪، نویسنده دوم ۱۰٪ و نویسنده سوم ۱۰٪ می‌باشد.

روابط بین فردی پایدار و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای ناسازگار همراه است که این عوامل نخست باعث کاهش روابط مثبت و سازنده با همسر و در نهایت باعث طلاق عاطفی می‌شود.

همچنین یافته‌ها نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن و دلزدگی زناشویی با طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا رابطه مثبت دو سوگرا وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های بطلانی، احمدی، بهرامی، شاه‌سیاه و محبی (۲۸)، غفوری، گل‌پرور، مهدی‌زادگان (۲۹) و نوروزی و نوابی نژاد (۳۰) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت سیستم‌های دلبستگی در جریان وقایع استرس‌زای زندگی از قبیل تعارض‌ها فعال شده و در موقعیت‌های تعارض‌زا از هر یک از سبک‌های دلبستگی رفتارها و تظاهرات هیجانی خاصی سر بر می‌آورد. بنابراین داشتن سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دو سوگرا) باعث می‌شود افراد تجارب رمانتیک و ارتباطی خود را از دیدگاه منفی بنگرند و کیفیت زندگی زناشویی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و منجر به دلزدگی زناشویی می‌گردد. همچنین همسران در رابطه با یکدیگر صمیمیت نداشته و در جریان بروز مشکلات حامی یکدیگر نیستند و انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق و افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک به بروز افسردگی و دلزدگی کمک می‌کند. از آنجا که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی قادر به برقراری روابط عمیق و صمیمی با دیگران نیستند تعارض‌های بین فردی بیشتری را با همسر تجربه می‌کنند که خود می‌تواند یک عامل قوی و زمینه‌ساز برای دلزدگی زناشویی باشد.

پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، به منظور استنتاج روابط علی و شفاف کردن توالی زمانی بین متغیرهای پژوهش، مطالعات طولی هم انجام پذیرد. همچنین، با توجه به اینکه مسائل فرهنگی در زندگی زناشویی افراد تأثیر دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در سایر شهرهای کشور توسط پژوهشگران انجام و نتایج آن با پژوهش حاضر مقایسه گردد.

References

1. Hajiani E, Haghighatian M, Keshavarz H, Yazdani A. An Analysis of Quality of Life among Emotional Divorced Women (Case Study: Shahrekord). *The Socio Cultural Strategy Journal*; 2013 [cited 2022June23]; 2 (6):159-185 [In Persian]
2. Bohannon P. "The six stations of divorce". In *Divorce and after An analysis of the emotional and social problems of divorce*, Edited by: Bohannon, P. New York: Doubleday; 1970
3. Gottman JM. *The marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. W W Norton & Co; 1999
4. Bowlby J. *Attachment and Loss: Vol 3. Loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books; 1980
5. Goldenberg H, Goldenberg I. *Family Therapy* (8th ed.). Belmont, CA: Brooks/Cole, Cengage Learning; 2013
6. Cann A, Norman MA, Welbourne JL, Calhoun LG. Attachment styles, conflict styles and humour styles: Interrelationships and associations with relationship satisfaction. *European Journal of Personality*; 2008
7. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall, S. *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Tilsdale, N. J: Elbaum; 1978
8. Kleinke CL. *Coping with life challenges*, New York; Brooks/Cole Pub; 1998
9. Johnson SM, Denton W. "Emotionally Focused Couple Therapy, Creating Secure Connections", In: N.S., Jacobson & A.S., Guttman, *Clinical Handbook of Couple Therapy*, New York: Guilford Press; 2002.
10. Pines AM. *Teacher Burnout: A Psychodynamic Existential Perspective*. Teachers and Teaching: Theory and Practice; 2002
11. Hoyle RH. *Structural equation modeling: Concepts, issues, and applications*. Sage Publications, Inc; 1995.
12. Loehlin JC. *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Psychology Press; 2004.
13. Gattman J, Silver N. *Success or failure in marriage*. Translate by Armaghan Jazayeri. Khojasteh Press; 2008 [In Persian]
14. Mami Sh, Asghari M. The role of self-differentiation and attachment styles in predicting emotional divorce. *Regional Conference on Divorce Pathology*, Islamic Azad University, Saez Branch; 2014 [In Persian]
15. Bayat Mokhtari C. The effectiveness of group reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences. *Ferdowsi University, Mashhad*; 2013 [In Persian]
16. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*; 1987
17. Besharat MA. *Adult Attachment Inventory: Questionnaire, Instruction and Scoring Key* (Persian Version); 2013
18. Horowitz LM, Rosenberg SE, Baer BA, Ureño G, Villaseñor VS. *Inventory of interpersonal problems: Psychometric properties and clinical applications*. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*; 1988
19. Coopersmith S. *Manual of SEI*. Conrulling Psychologist Press, Inc; 1990
20. Pines AM. What can we do so that dream love does not lead to boredom? Translated by Fatemeh Shadab. Quds Press; 2002 [In Persian]
21. Navidi F. Investigating and comparing the relationship between marital boredom and organizational climate factors in the staff of education departments and nurses of Tehran hospitals in 2005. *Ministry of Science, Research and Technology - Shahid Beheshti University*; 2005 [In Persian]
22. Sabonchi F, Dokanei fard F, Behbodi M. Structural model of marital satisfaction based on attachment styles and early maladaptive schemas with mediation of sensation seeking. *Journal of Applied Psychology*; 2020
23. Jazayeri SH, Delavar A, Dortaj F. The relationship between Personality Characteristics, Emotional Intelligence, Attachment Style and Voluntary Activities, and the Happiness of Employed Women. *yafte*; 2018
24. Samadi Kashan S, Jafari F, Mahmoodpour A, Ghasemzadeh S. Prediction of divorce and loneliness tendency based on attachment styles with respect to the role of mediation self-differentiation. *Counseling research and development [Internet]*; 2019
25. Mohammadimehr Z, Karimi Baghmalek A. The Relationship between Emotional Intelligence, Attachment Styles and Optimism with Martials Satisfaction. *Iranian Journal of Educational Sociology [Internet]*; 2017
26. Hirschberger G, Srivastava S, Marsh P, Cowan CP, Cowan PA. Attachment, marital satisfaction, and divorce during the first fifteen years of parenthood. *Pers Relatsh*; 2009
27. Heidari H, Ejtemae Sangari N. Predicting of emotional divorce of couples based on secure and insecure attachment styles. *First International Conference of New Reseachs in Humanistic Sciences*. Tehran: Institute of Managers Idepardaz; 2015 [In Persian]
28. Botlani S, Ahmadi A, Bahrami F, shahsiah M, Mohebbi S. Effect of attachment-based couple therapy on sexual satisfaction and intimacy. *Journal of Fundamentals of Mental Health*; 2010
29. Ghafouri Varnoosfaderani MR, Golparvar M, Mahdizadegan. A study of Attachment Styles and religious attitudes as predictors of success or failure of marital relationship. *RBS*; 2010
30. Nowrozi S, Navabinejad Sh. The predictive role of attachment styles in marital burnout of married women in Tehran. *Studies and research in behavioral sciences*; 1400.